

آزمون فرضیه همخوانی شخصیت - رویداد در علائم افسردگی با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری

علی محمدزاده ابراهیمی¹، طیبه رحیمی پردنجانی²

تاریخ وصول: 92/9/15

تاریخ پذیرش: 92/4/25

چکیده

پژوهش حاضر با هدف آزمون فرضیه همخوانی شخصیت - رویداد در علائم افسردگی با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری، انجام گردید. بدین منظور، فرض گردید که دو متغیر اجتماع مداری و استقلال مداری به ترتیب از طریق ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی و ادراک از رویدادهای فشارزای پیشرفت اثرات علی بر علائم افسردگی دارند. جامعه آماری دانشجویان مقطع کارشناسی بودند که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای 327 نفر (115 پسر و 212 دختر) به عنوان نمونه انتخاب شدند. شرکت کنندگان با استفاده از پرسشنامه سبک شخصی، پرسشنامه بررسی تجارب زندگی و پرسشنامه افسردگی بک، مورد سنجش قرار گرفتند. با استفاده از روش مدل سازی معادلات ساختاری (SEM)، با کمک نرم افزارهای AMOS و SPSS ویراست 18 و SPSS ویراست 18، برازندگی مدل پیشنهادی تحلیل گردید. به منظور برآورد اثرات واسطه‌ای نیز از روش بوت استراپ استفاده شد. هر چند، تحلیل اولیه برازش

1. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه بجنورد alimohamadzade98@yahoo.com

2. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه بجنورد tayebe.rahimi@yahoo.com

ضعیف مدل پیشنهادی را با داده‌ها نشان داد؛ با این وجود، پس از انجام اصلاحاتِ مربوط به بهبود مدل، برازش خوب مدل نهایی با داده‌ها تایید گردید.

واژگان کلیدی: هم‌خوانی شخصیت - رویداد، اجتماع مداری، استقلال مداری، ادراک رویدادهای فشارزا، علائم افسردگی.

مقدمه

افسردگی¹ شایع‌ترین اختلال روانی است، به طوریکه سرماخوردگی آسیب‌شناسی روانی نامیده شده است. این مسئله هزینه و بار زیادی را، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، از لحاظ انسانی و اقتصادی به فرد و جامعه تحمیل می‌کند. میزان بالای اقدام به خودکشی و عود، نقص در کارکردهای شناختی، عاطفی و اجتماعی تنها بخشی از پیامدهای این مشکل هستند. بدین سبب است که امروزه نشانه‌ها و علائم افسردگی² یکی از شاخص‌های مهم بهداشت و سلامت عمومی جوامع محسوب می‌گردد (پلینگتون³، 2010).

در بین کوشش‌های مختلف که برای درک سبب‌شناسی افسردگی صورت پذیرفته، پژوهشگران رویکرد شناختی در قالب مدل آسیب‌پذیری شناختی - استرس⁴، سعی کرده‌اند درک جامع‌تری نسبت به فرایند آسیب‌پذیری به افسردگی داشته باشند. مدل آسیب‌پذیری شناختی - استرس بیان می‌دارد که افسردگی در نتیجه تعامل بین عوامل شناختی⁵ (آسیب‌پذیری) و رویدادهای فشارزای زندگی⁶ (استرس)، به وجود می‌آید (سگال و اینگرام⁷، 1994). در بین پژوهشگران مدل آسیب‌پذیری - استرس، بک⁸ (1983، 1987) به نقل از بیرگنهر، پیپر و

-
1. depression
 2. depression symptoms
 3. Pilkington
 4. cognitive vulnerability–stress
 5. cognitive factors
 6. stressful life events
 7. Segal & Ingram
 8. Beck

و جونز¹، (2010)، در آخرین اصلاح بر نظریه شناختی افسردگی اش، دو سبک یا طرحواره شناختی اجتماع مداری² استقلال مداری³ را به عنوان عوامل آسیب پذیری یا زمینه ساز افسردگی مطرح کرد. از نظر بک (1983، 1987)، این دو طرحواره از ویژگی های یک سازه باثبات شخصیتی برخوردارند، طوریکه می توان آنها را صفات یا سبک های شناختی - شخصیتی نامید (به نقل از کالوت⁴، 2010). اجتماع مداری یک سبک شخصیتی است که در آن تمرکز فراوانی روی روابط با دیگران وجود دارد. افراد اجتماع مدار برای جلب رضایت، انگیزه یافتن و راهنمایی شدن برای رفتارها و اعمال خود، به دیگران وابسته هستند. آنها بیش از حد درباره امکان طرد شدن به وسیله دیگران نگران هستند و از هر نوع رفتاری که احتمال انزوا و خطر طرد را داشته باشد اجتناب می کنند. از طرف دیگر، سبک شخصیتی استقلال مداری به تمرکز افراطی روی استقلال، پیشرفت و کسب اهداف شخصی مربوط است. افراد استقلال مدار به ملاک های درونی خود برای موفقیت و پیشرفت بسیار اهمیت می دهند، بیشتر عمل مدار بوده و مایلند که در اعمال خود آزاد باشند. این افراد اغلب خیلی خود انتقادگر بوده و به طور افراطی درباره امکان شکست شخصی نگران هستند. بک (1983، 1987) فرض می کند، افرادی که در هر یک از این ابعاد یا هر دو بالا هستند، نسبت به افسردگی آسیب پذیر هستند. در مهمترین بخش مدل آسیب پذیری شناختی - استرس بک (1983، 1987) که به «فرضیه همخوانی»⁵ معروف است (گاهی نظریه آسیب پذیری خاص⁶ نیز نامیده شده؛ آבלا، مکاینیتیر - اسمیت و دیچف⁷، 2003)، فرض می شود افرادی که نمرات بالایی در هر یک از این سبک های شخصیتی می گیرند، هنگام مواجه شدن با رویدادهای فشارزایی که همگون و متجانس با

-
1. Birgenheir, Pepper & Johns
 2. sociotropy
 3. autonomy
 4. Calvete
 5. congruency
 6. specific vulnerability
 7. Abela, McIntyre-Smith & Dechef

سبک شخصیتی زیر بنایی‌شان است، یعنی فشارزاهای همگون¹، به سمت افسردگی کشیده می‌شوند. در یک فرد اجتماع مدار، رویدادهای فشارزای بین فردی² نظیر از دست دادن یک فرد مهم زندگی یا تجربه انتقاد یا طرد اجتماعی از جانب دیگران، می‌تواند باعث سوق یافتن وی به سمت افسردگی گردد (بک، 1983، 1987). از طرف دیگر، افراد استقلال مدار هنگام وقوع رویدادهای منفی و فشارزایی که احساسات شکست و بی‌کفایتی را بر می‌انگیزد و مانع پیشرفت و موفقیت آنها می‌گردد، یعنی رویدادهای فشارزای مربوط به پیشرفت³، نظیر ترفیع نیافتن در شغل، شکست تحصیلی و عدم دستیابی به اهداف شخصی، تجربه افسردگی را خواهند داشت (بک، 1983، 1987).

در پژوهش حاضر مسائلی چند، در رابطه با نظریه بک (1983، 1987) در مورد اجتماع مداری/ استقلال مداری، به عنوان عوامل آسیب‌پذیری به افسردگی و فرضیه همخوانی مربوط به آنها مطرح است. نخست اینکه، پژوهش‌های انجام شده در این مورد به نتایج ناهمسان و تقریباً متناقضی دست یافته‌اند. در تعدادی از پژوهش‌ها از فرضیه همخوانی هر دو نوع آسیب‌پذیری اجتماع مداری/ رویداد بین فردی و استقلال مداری/ رویداد پیشرفت، حمایت شده است. کاردیللا⁴ (2008)، در پژوهشی روی 109 دانشجوی مقطع کارشناسی، نشان داد که افراد اجتماع مدار به رویدادهای فشارزای بین فردی و افراد استقلال مدار به رویدادهای فشارزای پیشرفت آسیب‌پذیرتر هستند. این افراد هنگام تجربه رویدادهای فشارزای همخوان با سبک شخصیتی‌شان، سطوح بالاتری از علائم افسردگی را نشان می‌دهند. به همین ترتیب مطالعات دیگری نیز از فرضیه همخوانی مربوط به هر دو سبک اجتماع مداری و استقلال مداری حمایت کردند (از جمله، مازور، ماسیجوسکی، جاکوبز و بروس⁵، 2002؛ موریس و روینتز¹، 2005؛ قلی‌قلی زاده، علیلو و ایمانی، 1388).

-
1. congruent stresses
 2. interpersonal stressful events
 3. achievement-related stressful events
 4. Cardilla
 5. Mazure, Maciejewski, Jacobs & Bruce

شمار دیگری از بررسی‌ها فقط از یکی از دو بُعد آسیب‌پذیری حمایت‌کرده‌اند. برخی، فرضیه همخوانی را تنها در مورد اجتماع‌مداری (کلارک و اتس²، 1995؛ براون، جاستر، هیمبرگ و وینگ³، 1998؛ آبلا و همکاران، 2003؛ شاهار، جوینر، زروف و بلت⁴، 2004؛ سوهربرگ، اکسلسون، زارتوریسکی، استاهلبرگ و استرومبوم⁵، 2006؛ کالوت، 2010) و برخی نیز تنها از فرضیه همخوانی مربوط به استقلال‌مداری حمایت‌کرده‌اند (فریون و دوزیوس⁶، 2006؛ رانیری، آلوی و آبرامسون⁷، 2006؛ بیسر و پرل⁸، 2011). دسته دیگری از پژوهش‌ها شواهدی مبنی بر اینکه اجتماع‌مداری/استقلال‌مداری در ترکیب با رویدادهای فشارزای زندگی (چه همخوان و چه ناهمخوان) افسردگی را پیش‌بینی می‌کنند، نیافتند. آنها معتقدند که هم‌سبک‌های شخصیتی و هم‌رویدادهای فشارزای زندگی، هر یک به صورت مستقیم، در افسردگی نقش دارند (آلن، آمس، لایتون، بنتس و کینگستون⁹، 1997؛ مازور، راقوان¹⁰، ماسیچسکی، جاکوبس و بروس، 2001؛ ساتو¹¹، 2003؛ هاوکینز و میلر¹²، 2003؛ اتس - جانسون و کلارک¹³، 2004؛ ماسیح، اسپنس و اویی¹⁴، 2007). سرانجام، پژوهش‌های دیگری نشان داده‌اند که اجتماع‌مداری/استقلال‌مداری، هر یک، در صورت هم‌ایندی با هر دو دسته فشارزاهای بین‌فردی و پیشرفت، افسردگی را پیش‌بینی می‌کنند (روبینز، هیز، بلاک، کرامر و ویلنا¹⁵، 1995؛ فرسکو، سامپسون، کرایقید و کونز¹، 2001؛ داش²، 2006؛ ایکوویلو، گرانٹ،

-
1. Morse & Robins
 2. Clark & Oates
 3. Brown, Juster, Heimberg & Winning
 4. Shahar, Joiner, Zuroff & Blatt
 5. Sohlberg, Axelsson, Czartoryski, Stahlberg & Strombom
 6. Frewen & Dozois
 7. Ranieria, Alloyb & Abramson
 8. Besser & Priel
 9. Allen, Ames, Layton, Bennetts & Kingston
 10. Raghavan
 11. Sato
 12. Hawkins & Miller
 13. Oates-Johnson & Clark
 14. Masih, Spence & Oei
 15. Robins, Hayes, Block, Kramer & Villena

گران، آلوی و آبرامسون³، 2009؛ بیسر و پریل، 2011). با توجه به این یافته‌های متناقض، انجام پژوهش‌های بیشتر می‌تواند برای درک این ناهمسانی موثر باشد.

مسئله دیگر پژوهش حاضر در رابطه با فرضیه همخوانی بک (1983، 1987)، به مقوله بندی عینی رویدادهای فشارزای زندگی بر می‌گردد (داش، 2006). بدین معنا که در اغلب پژوهش‌ها داوران از قبل، هر رویداد را به عنوان بین فردی یا مربوط به پیشرفت طبقه بندی می‌کردند و سپس آزمودنی‌ها وقوع و شدت هر یک از این رویدادها را گزارش می‌کردند. مثلاً، رویدادهایی نظیر طلاق را به عنوان رویدادی بین فردی و شکست تحصیلی یا شغلی را به عنوانی رویدادی مرتبط با پیشرفت طبقه بندی می‌کردند. با این شیوه معلوم نیست که مقوله بندی عینی رویدادها توسط محققان، با معنای ذهنی آن رویدادها در نظر شرکت کنندگان همخوان است یا نه (کاون و ویسمن⁴، 1998، فریون و دوزیوس، 2006). به عبارت دیگر، این امکان وجود دارد که افراد بالا از لحاظ اجتماع مداری به جنبه‌های بین فردی یک رویداد پیشرفت واکنش نشان دهند. مثلاً، شکست تحصیلی یا شغلی ممکن است به عنوان از دست دادن رابطه با افراد مهم و جلب رضایت و دوستی با دیگران قلمداد گردد (اگر در امتحان رد شوم هیچ کس مرا دوست نخواهد داشت). بالعکس، رویدادی که به صورت عینی بین فردی طبقه بندی شده، برای بعضی اشخاص، ممکن است به طور ذهنی رویدادی مربوط به پیشرفت ادراک گردد. مثلاً، پایان یک رابطه ممکن است به عنوان از دست دادن یک موقعیت یا شکست در اهداف، تلقی شود (ایگن⁵، 2004). علاوه بر این، شماری از رویدادهای منفی زندگی ممکن است در هر دو حوزه بین فردی و پیشرفت پیامدهایی را به دنبال داشته باشند (فریون و دوزیوس، 2006). لذا محققان پژوهش‌های بعدی را به در نظر گرفتن اهمیت ارزیابی ذهنی فرد از رویدادهای فشارزا (به عنوان ضایعه در روابط یا ضایعه در اهداف فردی) فرا

-
1. Fresco, Sampson, Craighead & Koons
 2. Dasch
 3. Iacoviello, Grant, Alloy & Abramson
 4. Kwon & Whisman
 5. Eugenie

خواننده اند. بنابر این، مسئله دیگر پژوهش حاضر این است که آیا می توان ارزیابی از رویدادهای فشارزای بین فردی و پیشرفت را به عنوان یک میانجی گر مهم، که علائم افسردگی را به ترتیب در افراد اجتماع مدار و استقلال مدار فعال می سازد، تلقی کرد؟ به منظور پاسخگویی به این سوال، پژوهش حاضر بر آن است که این روابط را در قالب یک مدل علی نشان دهد.

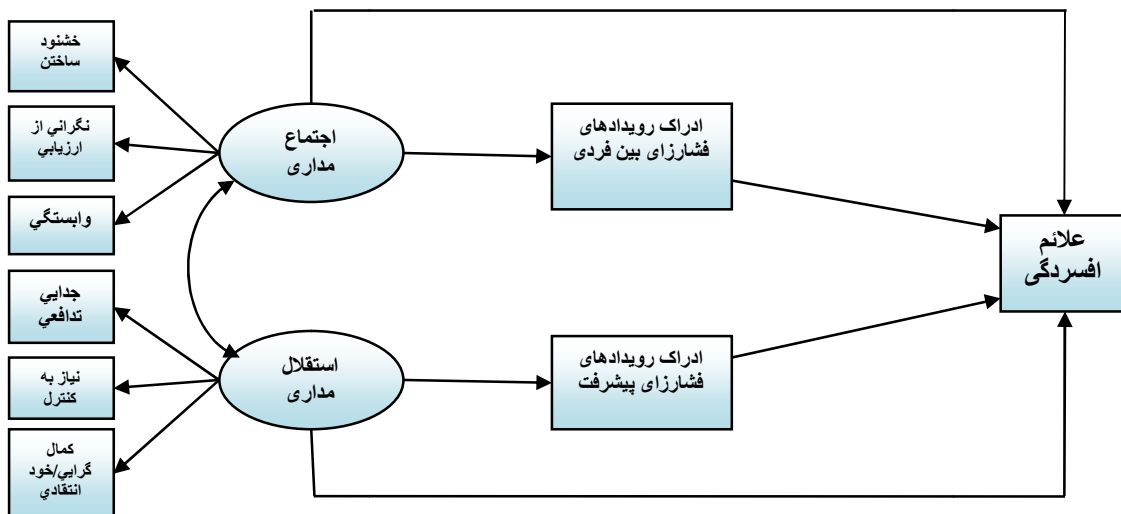
پژوهش‌هایی (نظیر بخشانی، 1382؛ نوری، 1384 و قلی زاده و همکاران، 1388)، که مدل آسیب پذیری بک (1983، 1987) و نظریه همخوانی را در نمونه های افسرده بالینی آزموده اند، به شواهد تایید کننده تری در رابطه با آن دست یافته اند. با این وجود، امروزه علاوه بر اختلال افسردگی، علائم و نشانه های خفیف تر افسردگی نیز از لحاظ بالینی مهم انگاشته می شوند (بکنستراس، جوست و روزمن¹، 2007). با توجه به این نکته، دلیل دیگر انجام پژوهش حاضر این است که آیا مکانیسم آسیب پذیری مطرح شده در مدل بک (1983، 1987)، در نمونه‌هایی غیر از بیماران افسرده نیز صدق می کند؟

با توجه به مسائل و سئوال های مطرح شده، مدل پیشنهادی برای پژوهش حاضر طراحی گردید که در شکل 1 مشاهده می گردد. مطابق با شکل 1، فرضیه کلی مدل پیشنهادی بیان می دارد که روابط علی اجتماع مداری/استقلال مداری، ادراک از رویدادهای فشارزا و علائم افسردگی براننده داده‌هاست. علاوه بر این، در رابطه با مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم در این مدل چنین فرض شده که:

1. اجتماع مداری بر علائم افسردگی اثر مثبت مستقیم دارد.
2. اجتماع مداری بر ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی اثر مثبت مستقیم دارد.
3. ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی بر علائم افسردگی اثر مثبت مستقیم دارد.

1. Backenstrass, Joest & Rosemann

4. استقلال مداری بر علائم افسردگی اثر مثبت مستقیم دارد.
5. استقلال مداری بر ادراک از رویدادهای فشارزای پیشرفت اثر مثبت مستقیم دارد.
6. ادراک از رویدادهای فشارزای پیشرفت بر علائم افسردگی اثر مثبت مستقیم دارد.
7. اجتماع مداری از طریق ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی بر علائم افسردگی اثر مثبت غیرمستقیم دارد.
8. استقلال مداری از طریق ادراک از رویدادهای فشارزای پیشرفت بر علائم افسردگی اثر مثبت غیرمستقیم دارد.



شکل 1. مدل پیشنهادی روابط علی اجتماع مداری/استقلال مداری و ادراک از رویدادهای فشارزا با علائم افسردگی

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان (پسر و دختر) مقطع کارشناسی دانشگاه بجنورد در نیم سال اول تحصیلی 1391-1392 بودند که با استناد به آمار دفتر برنامه ریزی و ارزیابی آموزشی دانشگاه، تعداد آنها 2565 نفر بوده است. به منظور انتخاب نمونه، از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای¹ استفاده شد. به این ترتیب که، نمونه ها با توجه به کل جمعیت دانشجویان کارشناسی هر دانشکده و همچنین نسبت جنسیتی آنها، انتخاب شدند. دو نمونه برای مراحل فرضیه آزمایی و اعتباریابی انتخاب گردیدند. در مرحله اعتباریابی، به منظور تعیین روایی و پایایی پرسشنامه های پژوهش، نمونه ای به حجم 100 نفر (39 پسر و 61 دختر) و در مرحله فرضیه آزمایی نیز، با توجه به تعداد متغیرهای مدل و طرح تحقیق، 327 نفر (115 پسر و 212 دختر) انتخاب شدند.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر همبستگی از طریق مدل یابی معادلات ساختاری² (SEM) است. مدل یابی معادلات ساختاری، که تحلیل مسیر³ با متغیرهای مکنون⁴ نیز نامیده می شود، یک روش کاملاً رایج مورد استفاده در علوم رفتاری و اجتماعی به منظور نشان دادن روابط علی⁵ در داده های چندمتغیری است. با این روش می توان برازندگی مدل مفروض و اثرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را در آن بررسی کرد. این روش برآوردهایی از پارامترهای مدل (ضرایب مسیر و جملات خطا) و چند شاخص نیکویی برازش⁶ را اندازه می گیرد (مکدونالد و هو⁷، 2002، به نقل از ارشدی، 1386).

-
1. stratified random sampling method
 2. structural equation modeling (SEM)
 3. path analysis
 4. latent variables
 5. causal relations
 6. Goodness of Fit Index (GFI)
 7. McDonald & Ho

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه تجدیدنظر شده سبک شخصی¹ (PSI-II): این پرسشنامه توسط رویینز² و همکاران (1994)، به منظور ارزیابی سبک‌های شناختی - شخصیتی اجتماع‌مداری و استقلال‌مداری تهیه گردید. این ابزار دارای 48 ماده است که 24 ماده مربوط به اجتماع‌مداری و 24 ماده دیگر صفت شخصیتی استقلال‌مداری را می‌سنجد. هر ماده بر روی یک مقیاس 6 درجه‌ای، با دامنه 1 (تقریباً هرگز) تا 6 (تقریباً همیشه)، نمره گذاری می‌گردد. اجتماع‌مداری دارای 3 خرده مقیاس از نگرانی از ارزیابی دیگران³، وابستگی⁴ و خشنود ساختن دیگران⁵ است و استقلال‌مداری نیز شامل 3 خرده مقیاس کمال‌گرایی/خود انتقادگری⁶، نیاز به کنترل⁷ و جدایی‌تدافعی⁸ می‌باشند. رویینز و همکاران (1994) پایایی PSI-II را با استفاده از روش بازآزمایی، برای اجتماع‌مداری 0/80 ($P < 0/001$) و برای استقلال‌مداری 0/70 ($P < 0/001$) به دست آوردند. روایی سازه این پرسشنامه نیز با همبسته کردن آن با پرسشنامه افسردگی بک (BDI)، برای اجتماع‌مداری 0/20 ($P < 0/01$) و برای استقلال‌مداری 0/27 ($P < 0/01$) بود. نوری (1384)، پایایی PSI-II را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس اجتماع‌مداری و استقلال‌مداری به ترتیب 0/79 و 0/76، به دست آورد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای اجتماع‌مداری و استقلال‌مداری به ترتیب 0/81 (وابستگی: 0/72، نگرانی از ارزیابی دیگران: 0/71 و خشنود ساختن دیگران: 0/65) و 0/83 (جدایی‌تدافعی: 0/71، نیاز به کنترل: 0/65 و کمال‌گرایی: 0/57) به دست آمد. بررسی روایی PSI-II با استفاده از تحلیل عاملی نشان داد که به جز ماده‌های 19 و 20 اکثر ماده‌های این پرسشنامه در دو مقیاس اجتماع

-
1. Personal Style Inventory
 2. Robins et al
 3. concern over what others think
 4. dependency
 5. pleasing others
 6. perfectionism/self-criticism
 7. need for control
 8. defensive separation

مداری و استقلال مداری دارای بار عاملی متوسط تا بالایی هستند ($P < 0/001$). پژوهشگران در بررسی هایی متعدد با استفاده از روش تحلیل عامل تاییدی، نشان داده اند که هرچند از لحاظ نظریه ای خرده مقیاس کمال گرایی با استقلال مداری ارتباط داده شده، اما چهار ماده مربوط به کمال گرایی به صورت برابری با هر دوی اجتماع مداری و استقلال مداری ارتباط دارند. پس از حذف این خرده مقیاس، پرسشنامه سبک شخصی تجدید نظر شده شاخص های برآزش خوبی را نشان داده است (هونگ و لی¹، 2001؛ باگی و همکاران²، 2001؛ کاون، کمپل و ویلیامز³، 2001؛ شاهار، 2006 و داش، 2006). نتیجه تحلیل عاملی پرسشنامه PSI-II در این پژوهش نیز موید پژوهش های قبلی بود. نتایج نشان داد که کمال گرایی تقریباً به یک اندازه روی هر دو مقیاس استقلال مداری (0/31) و اجتماع مداری (0/35) بار می گذارد. بنابراین، در پژوهش حاضر به جز ماده های 19 و 20، خرده مقیاس کمال گرایی/خودانتقادگری نیز، جهت روایی بهتر و تفکیک بهتر سازه های اجتماع مداری و استقلال مداری از یکدیگر، از پرسشنامه PSI-II حذف گردید.

پرسشنامه بررسی تجارب زندگی⁴ (LES): این پرسشنامه 60 ماده ای، که توسط ساراسون، جانسون و سیگل⁵ (1978) تهیه گردید، ادراک از شدت رویدادهای فشارزا را در حوزه های مختلفی چون آموزشی و تحصیلی، روابط نزدیک، از دست دادن⁶، مرگ، بیماری یا آسیب دیدگی دوستان، اعضای خانواده و خویشاوندان، فعالیت های اجتماعی، مسائل مربوط به شغل و درآمد، مسائل خانوادگی و سلامت جسمانی را ارزیابی می کند. LES وقوع، شدت و اثر مثبت و منفی رویدادهای زندگی را طی 6 ماه گذشته اندازه می گیرد. از شرکت کنندگان خواسته می شود مشخص نمایند اولاً کدام یک از رویدادهای مندرج در پرسشنامه را طی 6 ماه گذشته

-
1. Hong & Lee
 2. Bagby
 3. Kown, Cambel & Williams
 4. life experience survey
 5. Sarason, Johnson & Siegel
 6. loss

تجربه کرده اند. در صورت وقوع رویداد و به منظور ارزیابی ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی (استرس همگون با اجتماع مداری) و ادراک از رویدادهای فشارزای پیشرفت (استرس همگون با استقلال مداری) که مد نظر این پژوهش است، روش استفاده شده توسط ویر و کاپلیز¹ (2002)، ایگن (2004)، ماسیح و همکاران (2007) اتخاذ گردید. این امر به وسیله گنجاندن 2 سوال اختصاصی برای هر رویداد انجام شد. به منظور ارزیابی میزان ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی از شرکت کنندگان سوال شد که، «به چه میزان این رویداد منجر به اختلال در روابط نزدیک تان با دیگران و از دست دادن پذیرش و رضایت از جانب دیگران می شود». به منظور ارزیابی میزان ادراک از رویدادهای فشارزای مربوط به پیشرفت نیز، از شرکت کنندگان خواسته شد، بگویند که «چه مقدار این رویداد منجر به از دست دادن استقلال، آزادی و لطمه زدن به اهداف زندگی شان می شود». لازم بود پاسخ دهندگان دور رویدادهایی که در 6 ماه گذشته تجربه کرده اند را خط کشیده و در صورت اتفاق آن رویداد، می بایست ماده های مربوط به ابعاد شدت اثر منفی ادراک شده در منابع اجتماعی و شدت اثر منفی ادراک شده در پیشرفت یا موفقیت فردی را روی مقیاسی با دامنه صفر (بدون اثر منفی) تا 3- (اثر منفی شدید) درجه بندی کنند. به این شیوه، کاردیلا (2008) ضریب آلفا برای رویدادهای فشارزای بین فردی و پیشرفت را به ترتیب 0/83 و 0/87، به دست آورد. بخشانی (1381)، با توافق 0/70 بین نمره گذاران، 27 ماده از LES را مربوط به قلمرو روابط بین فردی و 16 ماده آن را مربوط به حوزه پیشرفت و موفقیت طبقه بندی کرد. ضریب پایایی این پرسشنامه نیز در این بررسی مقدماتی 0/73 به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ و تنصیف برای نمرات کل ادراک از رویدادهای فشارزا به ترتیب 0/98 و 0/97، برای رویدادهای فشارزای بین فردی به ترتیب 0/97 و 0/93 و برای رویدادهای فشارزای پیشرفت به ترتیب 0/96 و 0/93 به دست آمد. روایی این پرسشنامه نیز از طریق محاسبه همبستگی سوال‌های مربوط به ادراک از رویدادهای بین فردی و پیشرفت با دو سوال محقق ساخته، که در

1. Voyer & Coppeliez

آنها میزان ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی و پیشرفت به طور کلی و روی مقیاسی 7 درجه ای ترتیب داده شده بود، ارزیابی گردید که مقدار آن به ترتیب 0/41 ($p < 0/001$) و 0/35 ($p < 0/001$)، به دست آمد.

پرسشنامه افسردگی بک (ویراست دوم) (BDI-II): نسخه اصلاح شده پرسشنامه افسردگی بک¹ (BDI-II، بک، استیر و براون²، 1996)، ابعاد عاطفی، شناختی، رفتاری، انگیزشی و جسمانی افسردگی و شدت علائم آن را در افراد بالای 13 سال می سنجد. این پرسشنامه دارای 21 ماده می باشد. هر ماده به شکل متغیری شامل 4 الی 7 عبارت است که درجات متفاوتی از شدت تجربه شده (دامنه نمرات بین صفر تا 3) یکی از علائم ویژه افسردگی را طی یک هفته گذشته می سنجد. از لحاظ روایی همگرا، سازندگان این پرسشنامه مقدار همبستگی 0/93 ($p < 0/01$) را بین BDI-II و پرسشنامه اصلی بک (1961) و مقدار همبستگی 0/63 ($p < 0/01$) را بین آن و مقیاس تجدید نظر شده افسردگی همیلتون³ (همیلتون، 1960)، به دست آوردند. به لحاظ پایایی نیز مقدار ضریب آلفای به دست آمده برای این آزمون 0/91 بود (به نقل از گارلیپ⁴، 2004). پایایی BDI-II در جامعه ایرانی توسط قاسم زاده، مجتبیایی، کرمقدیری و ابراهیم خانی (2005)، با استفاده از ضریب ضریب آلفای کرونباخ 0/87، و ضریب باز آزمایشی آن 0/74 ($p < 0/001$)، به دست آمد. روایی همگرای آن با همبسته کردن آن با پرسشنامه افکار خودآیند⁵ (هالون و کندال⁶، 1988) 0/73 ($p < 0/001$) به دست آمد. (به نقل از قاسم زاده و همکاران، 2005). در پژوهش حاضر، پایایی BDI-II، با روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب 0/90 و 0/87، به دست آمد. اعتبار ملاکی همزمان BDI-II از طریق همبستگی بین نمرات آن و نمرات ادراک از رویدادهای فشارزای کل و همچنین نمرات

-
1. Beck Depression Inventory-II (BDI-II)
 2. Beck, Steer, & Brown
 3. Hamilton Depression Rating Scale
 4. Garlipp
 5. Automatic Thoughts Questionnaire
 6. Hollon & Kendall

راهبردهای انطباقی و غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان (پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان¹، گارنفسکی، کرایج و اسپینهاون²، 2002) محاسبه گردید که این مقدار به ترتیب 0/24، 0/42- و 0/43، به دست آمد ($p < 0/01$).

یافته‌ها

جدول 1 میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

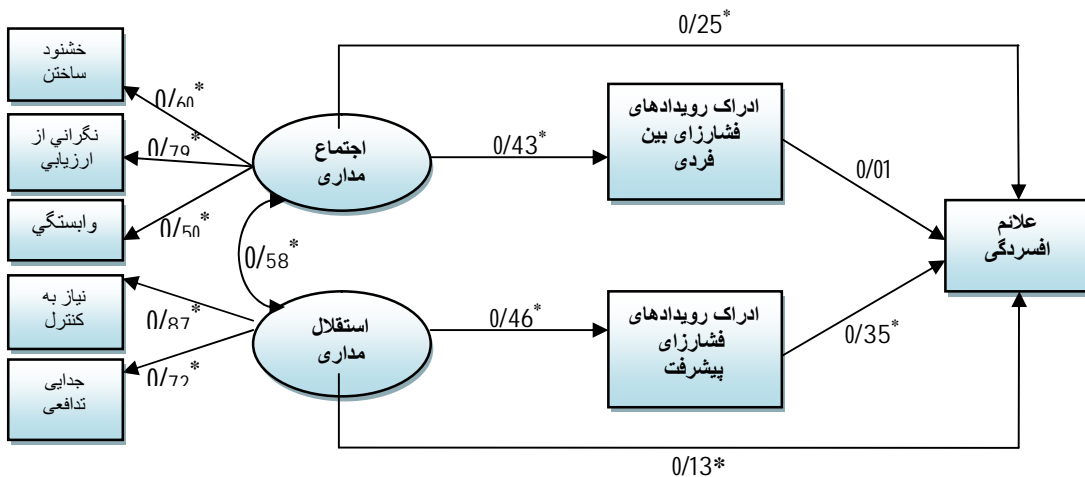
جدول 1. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضرایب همبستگی									
			1	2	3	4	5	6	7	8	9	
1- اجتماع مداری	94/13	12/85	-									
2- وابستگی	28/11	5/51	0/73**	-								
3- نگرانی از ارزیابی	27/64	5/34	0/83**	0/46**	-							
4- خشنودساختن	38/36	5/83	0/75**	0/24**	0/47**	-						
5- استقلال مداری	72/12	11/03	0/34**	0/12*	0/35**	0/31**	-					
6- جدایی تدافعی	42/22	7/28	0/26**	0/03	0/29**	0/29**	0/94**	-				
7- نیاز به کنترل	29/90	4/83	0/37**	0/24**	0/36**	0/26**	0/886*	0/64**	-			
8- ادراک فشارزاهای بین فردی	19/27	10/04	0/33**	0/14**	0/28**	0/33**	0/26**	0/20**	0/30**	-		
9- ادراک فشارزاهای پیشرفت	20/65	10/86	0/34**	0/15**	0/30**	0/35**	0/35**	0/28**	0/38**	0/87**	-	
10- علائم افسردگی	11/57	6/96	0/36**	0/16**	0/38**	0/30**	0/34**	0/27**	0/37**	0/46**	0/52**	-

* $p < 0/05$, ** $p < 0/01$

1. cognitive emotion regulation questionnaire (CERQ)
2. Gamefski, Kraaij & Spinhoven

شکل 2 مدل پیشنهادی به همراه ضرایب مسیر متغیرهای پژوهش حاضر را نشان می دهد.



شکل 2. مدل پیشنهادی و ضرایب مسیر متغیرها

(توجه: * نشانه معنی داری ضرایب مسیر می باشد)

جدول شماره 2، شاخص های برازندگی را برای مدل پیشنهادی، مدل اصلاح شده اول و مدل نهایی نشان می دهد. مطابق با آنچه در جدول 2 درج گردیده است، برای تعیین کفایت برازندگی همه مدل های مزبور از چندین شاخص برازندگی استفاده شده است.

جدول 2. شاخص‌های برازندگی برای مدل پیشنهادی، مدل اصلاح شده اول و مدل نهایی

شاخص‌های برازندگی	df	χ^2 /df	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI		
								RMSEA		
مدل										
1	525	16	32/85	0/82	0/60	0/58	0/25	0/57	0/57	0/29
پیشنهادی										
2 مدل اصلاح شده اول										
2	53/22	15	3/54	0/97	0/92	0/97	0/94	0/97	0/96	0/08
3 مدل اصلاح شده نهایی										
3	41/60	14	2/79	0/98	0/95	0/98	0/96	0/98	0/97	0/07

همانطور که در جدول 2 ملاحظه می‌گردد، شاخص‌های برازندگی نشان دهنده برازش ضعیف مدل 1 (مدل پیشنهادی) با داده‌ها هستند. به عبارت دیگر، مقادیر اکثر شاخص‌ها نشان می‌دهند که مدل نیاز به اصلاح دارد. نکته اساسی مدل پیشنهادی پژوهش حاضر وجود همبستگی بالا بین دو متغیر میانجی، یعنی متغیرهای ادراک از رویدادهای بین فردی و پیشرفت ساختمانی عدم وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای پژوهش است. اگر رابطه بین متغیرهای پیشین با یکدیگر یا رابطه بین متغیرهای میانجی با یکدیگر بالاتر از 0/9 باشد نشان دهنده همخطی چندگانه است (گیلز¹، 2002؛ به نقل از مروتی، 1390). وجود همبستگی تقریباً 0/9، بین دو متغیر میانجی این پژوهش (جدول 1)، نزدیک بودن به همخطی چندگانه را نشان می‌دهد. بنابراین منطقی است که دو متغیر میانجی این پژوهش، یعنی متغیرهای ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی و پیشرفت، تبدیل به نشانگرهای یک متغیر مکنون شوند. علاوه

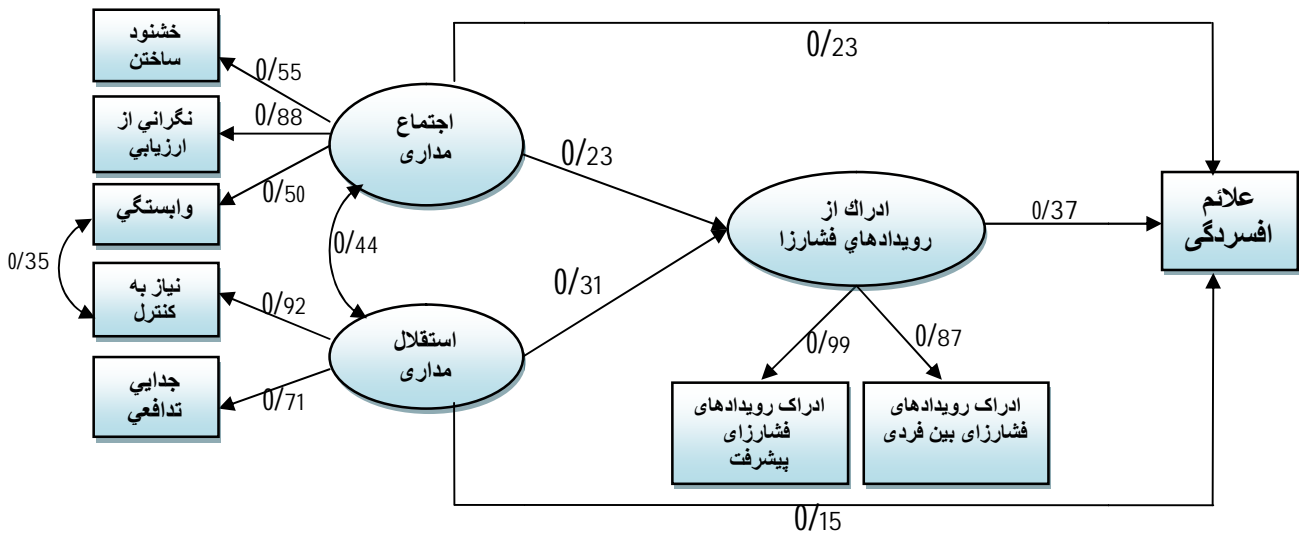
1. Giles

بر توجیه آماری، از لحاظ نظری نیز این امر با دیدگاه پژوهشگرانی که معتقد به اجتناب از مقوله بندی رویدادهای فشارزا به رویدادهای بین فردی و پیشرفت هستند همسو می باشد (آبرامسون، آلوی و هوگان¹، 1997؛ ایگن، 2004؛ ماسیح و همکاران، 2007؛ فریون و دوزیوس، 2006). این پژوهشگران صحبت از یک آسیب پذیری عمومی می کنند و معتقدند که اثرات رویدادهای منفی و فشارزا تنها به یک بُعد از ابعاد بین فردی و پیشرفت محدود نمی گردد؛ بلکه، اکثر رویدادها می توانند اثراتی را برای فرد در هر دو حوزه بین فردی و پیشرفت در بر داشته باشند.

بنابراین در گام اولیه اصلاح مدل پیشنهادی، دو متغیر ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی و ادراک از رویدادهای فشارزای پیشرفت به نشانگرهای متغیر مکنون ادراک از رویدادهای فشارزا تبدیل شدند و سپس تحلیل دیگری روی داده ها صورت پذیرفت. همانطور که در جدول 2 ملاحظه می شود، شاخص های برازندگی مدل 2 (مدل اصلاح شده اول)، بهبود قابل ملاحظه ای را در برازش با داده ها نشان می دهد. اما به منظور بهبود شاخص های برازندگی در گام بعدی از میان شاخص های اصلاحی پیشنهادی نرم افزار AMOS-18، تنها به انجام یک مورد از این اصلاحات اکتفا شد. خطای متغیر «وابستگی» به متغیر «نیاز به کنترل» متصل شد. حاصل تغییرات اخیر مدل سوم یا مدل اصلاح شده نهایی (شکل 3) بود که برازش آن با داده ها بر اساس شاخص های برازندگی در جدول 2 آمده است. همانطور که از مقادیر جدول استنباط می گردد، بهترین برازش با داده ها مربوط به مدل 3 می باشد. همچنین، جدول 2 نشان می دهد که با توجه به شاخص های برازندگی، به ویژه نسبت مجذور کای به درجه آزادی برابر 2/97، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر 0/98، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) برابر 0/95، شاخص برازندگی افزایشی (IFI) برابر 0/98، شاخص توکر-لوئیس (TLI) برابر 0/96، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر 0/98، شاخص برازش هنجار شده (NFI) برابر 0/97 و ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات (RMSEA) برابر 0/07 است که

1. Abramson, Alloy & Hogan

مدل نهایی از برازندگی مناسبی برخوردار می باشد. شکل 3، مدل نهایی پژوهش حاضر و ضرایب مسیر موجود در میان متغیرها را نشان می دهد.



شکل 3. مدل نهایی روابط علی اجتماع مداری/استقلال مداری و ادراک از رویدادهای فشارزا با علائم افسردگی در پژوهش حاضر

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های (مسیرهای) مستقیم و غیر مستقیم مدل پیشنهادی همانگونه که در جدول 2 ملاحظه گردید، شاخص‌های برازندگی نشان دهنده برازش ضعیف مدل پیشنهادی با داده‌ها بودند. بنابراین فرضیه کلی پژوهش تایید نمی شود. اما، مسیرها و ضرایب استاندارد ذکر شده در شکل 2 حاکی از معنی‌داری تمامی مسیرهای مستقیم به غیر از مسیر ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی به علائم افسردگی (فرضیه 3) می‌باشند ($p > 0/05$). با این وجود، همانگونه که در جدول 1 آمده است، ضریب همبستگی دو متغیری این مسیر در سطح ($p < 0/01$) معنی دار است ($r = 0/46$). بنابر این، بر اساس معناداری

مسیرهای مستقیم اجتماع مداری به علائم افسردگی و ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی، استقلال مداری به علائم افسردگی و ادراک از رویدادهای فشارزای پیشرفت و و ادراک از رویدادهای فشارزای پیشرفت به علائم افسردگی، فرضیه های 1، 2، 4، 5 و 6 مورد تایید واقع می شوند.

در پژوهش حاضر به منظور تعیین معنی داری روابط واسطه ای، از روش بوت استراپ¹ در برنامه ماکرو² (پریچر و هیز³، 2008) استفاده شده است. همانگونه که در شکل 2 ملاحظه می گردد مدل پیشنهادی دارای 2 فرضیه مبنی بر وجود روابط غیرمستقیم است. جدول 3 نتایج حاصل از بوت استراپ در برنامه ماکرو (پریچر و هیز، 2008) در مورد رابطه اجتماع مداری، استقلال مداری و علائم افسردگی با توجه به میانجی گری ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی و پیشرفت را نشان می دهد.

جدول 3. نتایج بوت استراپ برای مسیر اجتماع مداری/استقلال مداری و علائم افسردگی با توجه

به میانجی گری ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی پیشرفت

پارامترها	داده ها	بوت	سوگیری	خطای استاندارد	حدپایین	حد بالا
مسیرها						
اجتماع مداری به علائم افسردگی از طریق ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی	0/0683	0/0684	0/0001	0/0154	0/0415	0/1021
استقلال مداری به علائم افسردگی از طریق ادراک از رویدادهای فشارزای پیشرفت	0/1012	0/1015	0/0003	0/0174	0/0698	0/1381

1. Bootstrap
2. Macro
3. Preacher & Hayes

مطابق با جدول 3، برای مسیر اجتماع مداری به علائم افسردگی از طریق ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی حد پایین فاصله اطمینان 0/0415 و حد بالای آن 0/1021 است. برای مسیر استقلال مداری به علائم افسردگی از طریق ادراک از رویدادهای فشارزای پیشرفت حد پایین و بالای فاصله اطمینان به ترتیب 0/0698 و 0/1381 می باشند. در مورد هر دو مسیر میانجی، سطح اطمینان برای این فواصل اطمینان 95 و تعداد نمونه گیری مجدد بوت استرپ 2000 است. با توجه به اینکه در هر دو مورد، صفر بیرون از این فاصله های اطمینان قرار می گیرد، این روابط واسطه ای معنادار بوده و فرضیه های 7 و 8 پژوهش تایید می گردند.

یافته‌های مربوط به مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم در مدل نهایی

با توجه به تغییرات ایجاد شده در مدل پیشنهادی پژوهش و ارایه مدلی که برازش مناسبی با داده ها دارد (مدل نهایی)، چند تحلیل اضافه، علاوه بر تحلیل های اولیه در خصوص آزمون فرضیه های پژوهش، در رابطه با مسیرهای مدل نهایی انجام شدند. در مدل نهایی پژوهش سه مسیر مستقیم جدید وجود دارد. با توجه به شکل 3، مسیرهای مستقیم اجتماع مداری به ادراک از رویدادهای فشارزا ($p < 0/002$, $\beta = 0/23$)، استقلال مداری به ادراک از رویدادهای فشارزا ($p < 0/000$, $\beta = 0/31$) و ادراک از رویدادهای فشارزا به علائم افسردگی ($\beta = 0/37$) معنادار هستند. ($p < 0/001$)

علاوه بر این، مدل نهایی پژوهش حاضر دارای دو مسیر غیر مستقیم جدید نیز می باشد. همانگونه که در شکل 3 ملاحظه می گردد، این دو مسیر شامل مسیرهای اجتماع مداری و استقلال مداری به علائم افسردگی از طریق ادراک از رویدادهای فشارزا می باشند. جدول 4، نتایج حاصل از بوت استرپ در برنامه ماکرو (پریچر و هیز، 2008) را در مورد این دو مسیر غیر مستقیم نشان می دهد.

جدول 4. نتایج بوت استراپ برای مسیر اجتماع مداری، استقلال مداری و علائم افسردگی با توجه به میانجی‌گری ادراک از رویدادهای فشارزا

پارامترها	حد بالا	حد پایین	خطای استاندارد	سوگیری	بوت	داده‌ها	مسیرها
اجتماع مداری به علائم افسردگی از طریق ادراک از رویدادهای فشارزا	0/1167	0/0533	0/0160	0/0003	0/0822	0/0819	
استقلال مداری به علائم افسردگی از طریق ادراک از رویدادهای فشارزا	0/1264	0/0591	0/0170	0/0001	0/0891	0/0890	

مطابق با جدول 4، برای مسیر اجتماع مداری به علائم افسردگی از طریق ادراک از رویدادهای فشارزا حد پایین فاصله اطمینان 0/0533 و حد بالای آن 0/1167 است. برای مسیر استقلال مداری به علائم افسردگی از طریق ادراک از رویدادهای فشارزا حد پایین و بالای فاصله اطمینان به ترتیب 0/0591 و 0/1264 می‌باشند. در مورد هر دو مسیر میانجی، سطح اطمینان برای این فواصل اطمینان 95 و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استراپ 2000 است. با توجه به اینکه در هر دو مورد، صفر بیرون از این فاصله‌های اطمینان قرار می‌گیرد، این مسیرهای غیرمستقیم معنادار می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف آزمون فرضیه همخوانی شخصیت-رویداد در علائم افسردگی با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری انجام گردید. در رابطه با فرضیه کلی، بررسی شاخص‌های برازندگی نشان داد که مدل پیشنهادی برازنده داده‌ها نیست و نیاز به بهبود دارد. ضرایب استاندارد مستقیم مسیرهای مدل پیشنهادی نشان داد که اجتماع مداری مستقیماً بر ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی (فرضیه 2) و استقلال مداری مستقیماً بر ادراک از رویدادهای فشارزای پیشرفت اثر مثبت (فرضیه 5) مستقیم دارند. در مورد اثرات واسطه‌ای در مدل

پیشنهادی نیز، نتایج نشان داد اجتماع مداری و استقلال مداری به ترتیب از طریق فشارهای بین فردی و پیشرفت (فشارهای همخوان) بر علائم افسردگی اثر مثبت غیر مستقیم دارند (فرضیه‌های 7 و 8). با این وجود، چنین نتیجه‌ای به منزله تایید نظریه همخوانی بک (1983، 1987) نمی‌باشد. چرا که، در مدل نهایی به منظور بهبود برازش مدل با داده‌ها، دو متغیر ادراک از فشارهای بین فردی و پیشرفت، به نشانگرهای متغیر مکنون «ادراک از رویدادهای فشارزا» تبدیل شدند. شاخص‌های برازندگی مدل نهایی، برازش مناسب مدل با داده‌ها را نشان دادند. در این مدل، مشخص شد که اجتماع مداری و استقلال مداری اثر مثبت مستقیم بر ادراک از رویدادهای فشارزا (به صورت کل) داشته و از این طریق اثر مثبت غیرمستقیم بر علائم افسردگی دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های ایگن (2004)، داش (2006)، ماسیح و همکاران (2007)، دش و همکاران (2008)، ایکوویلو و همکاران (2009) همسو و با نتایج پژوهش‌های کاردیلا (2008)، مرس و رویینز (2005)، مازور و ماسیچسکی (2003)، مغایر است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که اجتماع مداری و استقلال مداری، هر یک، می‌توانند به صورت مستقیم بر هر دو دسته رویدادهای فشارزای بین فردی و پیشرفت اثر گذاشته و همچنین از طریق هر دو دسته فشارزاهای بین فردی و پیشرفت بر علائم افسردگی اثر غیر مستقیم داشته باشند. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، ترکیب آسیب‌پذیری شناختی - شخصیتی اجتماع مداری/استقلال مداری با رویدادهای فشارزا، می‌تواند افکار خودآیند منفی را راه‌اندازی کند. پژوهش‌ها (اویی، جو و کاون¹، 1996، کاون و اویی، 2003، هر دو به نقل از ماسیح و همکاران، 2007). نشان داده‌اند که ظهور این افکار خودآیند منفی، می‌تواند به دامنه گسترده‌ای از رویدادهای و ابعاد مختلف زندگی تعمیم یابد و همه این‌ها می‌تواند بروز نشانه‌های افسردگی را به دنبال داشته باشد.

مسأله اثرگذاری اجتماع مداری و استقلال مداری بر فشارزاهای ناهمخوان، با در نظر گرفتن عوامل فرهنگی-اجتماعی بیشتر تأیید می‌گردد. اکثر پژوهش‌هایی که از نظریه همخوانی

1. Oei, Goh & Kwon

و مدل بک (1983) حمایت کرده اند روی جوامع غربی انجام شده و مربوط به آن زمینه فرهنگی- اجتماعی می باشند. به عبارت دیگر، تبیینی دیگر می تواند مربوط به جامعه پذیری یا اجتماعی شدن افراد زمینه فرهنگی- اجتماعی ایران باشد. با توجه به ارزش های مربوط به تطابق و همسازی بین فردی و انگیزش پیشرفت جامعه گرا که ریشه در ذهن افراد دارای این زمینه فرهنگی دوانده است، فشارزاهای پیشرفت می توانند باعث مقداری نگرانی و تجربه علائم افسردگی در افراد اجتماع مدار گردند. از طرف دیگر افراد استقلال مدار نیز ممکن است هنگام تجربه فشارزاهای بین فردی علائم افسردگی را نشان دهند. چون، داشتن ویژگی های مربوط به استقلال مداری به احتمال بیشتری با این بافت فرهنگی متعارض بود و بیشتر ممکن است در آنها تنش ایجاد کند و با ایجاد فشارهای بین فردی در آنها باعث تجربه علائم افسردگی گردد.

از لحاظ روش شناختی نیز، در پژوهش حاضر ارزیابی ادراک از رویدادهای فشارزا به این صورت نبود که شرکت کنندگان مجبور به درجه بندی شدت ادراک شده رویدادهایی باشند که از پیش به رویدادهای بین فردی و پیشرفت مقوله بندی شده اند؛ بلکه، برای هر رویداد فشارزا دو سوال اختصاصی طرح شده بود. یکی در مورد اثرات آن رویداد روی روابط بین فردی و دیگری در مورد اثرات آن روی پیشرفت و موفقیت فردی. در واقع، با مقوله های ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی و پیشرفت، به عنوان دو روی یک سکه برخورد شد. درج سؤال های اختصاصی که دامنه و مقدار ضایعه در روابط یا پیشرفت را در مورد هر رویداد می پرسند، توجه پاسخ دهندگان به هر دو جنبه ضایعه بیشتر می کند. از طرف دیگر، این یافته با توجه به نتایج پژوهش های (مثلاً، واتسون¹، 2005) که نشان می دهد افراد قادر نیستند کاملاً واضح، بین اثری که یک رویداد روی روابط بین فردی شان و اثری که آن رویداد روی پیشرفت و موفقیت شان دارد تمایز قائل شوند، بیشتر تایید می گردد. بنابراین، همه این عوامل می توانند همبستگی بالا بین نمرات دو بُعد ضایعه در روابط و پیشرفت را در بر داشته باشند و باعث اثرگذاری غیر مستقیم اجتماع مداری/ استقلال مداری بر علائم افسردگی از طریق هر دو

1. Watson

دسته ادراک از رویدادهای فشارزای بین فردی و پیشرفت گردد. با توجه به این نکات، می‌توان ادعا کرد که نظریه همخوانی بک (1983، 1987) در بررسی‌های مبتنی بر ادراک رویدادها، نمی‌تواند معتبر باشد. این احتمال وجود دارد، در بررسی‌هایی که شرکت‌کنندگان مجبور هستند گزینه‌ای را برای مقوله بندی رویداد به عنوان ضایعه در پیشرفت یا ضایعه در روابط انتخاب کنند، نظریه همخوانی بهتر مورد مطالعه قرار گیرد. بنابراین، نتایج این پژوهش هر چند از مدل آسیب پذیری-استرس (بک، 1983، 1987) حمایت می‌کند، اما این ارتباط لزوماً به صورت همخوان نیست. ارزیابی شناختی و ادراک از رویدادهای فشارزا، فرایند پیچیده‌ای است که شامل یک الگوی نسبی از هر یک از ابعاد بین فردی و پیشرفت می‌باشد که توسط هر یک از سبک‌های اجتماع مداری/استقلال مداری تعیین می‌شود. اجتماع مداری و استقلال مداری، نه تنها از طریق فشارزاهای همخوان، بلکه از طریق فشارزاهای غیرهمخوان نیز می‌توانند روی علائم افسردگی اثر غیر مستقیم داشته باشد.

علاوه بر این نتایج نشان داد که اجتماع مداری و استقلال مداری بر علائم افسردگی نیز اثر مثبت مستقیم دارند. این نتیجه همسو با نتایج پژوهش‌های مازور و همکاران (2001)، هاو کینز و میلر (2003)، اُتس-جانسون و کلارک (2004)، ماسیح و همکاران (2007)، شاهار، شافر و گیلیا-شچتمن¹ (2008) می‌باشد. اما آبلا، ساکلاروپولو و تاکسل² (2007)، هوسکی، مازور، ماسیجوسکی و سوندسن³ (2007)، لیتل و گاربر⁴ (2000، 2004) به نتیجه مغایر با نتیجه فوق دست یافتند. این نتیجه نشان می‌دهد که علائم افسردگی می‌توانند بدون پیش‌بینی رویدادهای منفی زندگی نیز رخ دهند و به دیدگاه فرد از جهان که به صورت یک سبک شناختی-شخصیتی مشخص می‌شود، نیز بستگی دارد (مازور و همکاران، 2001). هر دو دسته افراد اجتماع مدار و استقلال مدار دارای انتظارات غیر واقع بینانه‌ای هستند. افراد بالا از لحاظ اجتماع

1. Shahar, Soffer & Gilboa-Shechtman
2. Abela, Sakellaropoulo & Taxel
3. Husky, Mazure, Maciejewski & Swendsen
4. Little & Garber

مداری درباره پیامدهای بین فردی و اجتماعی نگران هستند. آنها برای حفظ احساس سلامت و امنیت نیاز شدیدی برای رضایت و حمایت اجتماعی دارند. این افراد ممکن است فکر کنند که قادر نیستند نیازها و انتظارات دیگران را برآورده سازند. از طرف دیگر انتظارات غیر واقع بینانه افراد استقلال مدار به عرصه پیشرفت و موفقیت فردی مربوط می شود. آنها درباره پیامدهای مربوط به پیشرفت نگران هستند آنها برای حفظ احساس سلامت نیاز دارند تا استانداردهایشان برآورده شود (ماسیح و همکاران، 2007). بنابراین، این دو سبک تقاضاهای افراطی را تحمیل می کنند. یکی در مورد خود و دیگری در مورد دیگران. در نتیجه دلسردی و ناامیدی اجتناب ناپذیری که پیامد این تقاضاهای افراطی است می تواند باعث بروز علائم افسردگی و عواطف منفی در آنها گردد.

سرانجام، در مدل نهایی مشخص شد که ادراک از رویدادهای فشارزا بر روی علایم افسردگی اثر مثبت مستقیم دارد. این یافته، همسان با نتیجه پژوهش های قبلی است که اهمیت ادراک از رویدادها را به عنوان پیش بینی کننده مستقیم افسردگی تلقی کردند (آبرامسون و همکاران، 1997؛ کاوون و ویسمن، 1998؛ ویر و کاپلیز، 2002؛ ایگن، 2004؛ واتسون، 2005؛ فریون و دوزیوس، 2006). رویدادهای منفی و فشارزای زندگی، به ویژه اگر شدید و آسیب زا باشند (مانند شکست عشقی، مرگ اعضای خانواده، مشکلات مالی و غیره) برای ایجاد علائم افسردگی در هر کسی، کافی هستند. یک تبیین این نتیجه بر اساس نظریه ناامیدی¹ (آبرامسون، متالسکی² و آلوی، 1989) می باشد. بر طبق این نظریه، علائم ناامیدی افسردگی می تواند به وسیله سبک اسنادی منفی پیش بینی شود. این سبک شناختی به کاربرد اسنادهای درونی، پایدار و کلی برای رویدادهای فشارزا توصیف شده است. افرادی که چنین سبک اسنادی را به کار می برند، معتقدند که رویدادهای منفی پیامدها یا عواقب منفی بیشتری را منجر خواهد شد و اینکه رویدادهای منفی دلالت بر این امر دارند که اشتباه یا نقصی در آنها و به وسیله آنها وجود

1. hopelessness

2. Metalsky

دارد (آبرامسون و همکاران، 1989). استفاده از چنین سبک اسنادی در پی رویدادهای فشارزا، تجربه ناامیدی را افزایش داده و از این طریق می‌تواند علائم افسردگی را در افراد راه اندازی کند. علاوه بر این، تمایل برای نشخوار کردن¹ در پاسخ به چگونگی خلق نیز می‌تواند باعث ظهور علائم افسردگی در افراد پس از ادراک رویدادهای فشارزا گردد (آبلا و همکاران، 2003؛ نولن-هوکسما و مارو، 1991). افراد دارای سبک پاسخ نشخوارکننده، به خلق پایین اولیه که در پی تجربه رویدادهای فشارزا ایجاد می‌گردد با تمرکز منفعلانه و تکراری روی علائم خلقی شان و پیامدهای خلق شان، واکنش نشان می‌دهند، بدون آنکه عملاً کاری برای تسکین آن انجام دهند نشخوار، از طریق دسترس پذیرتر ساختن و محتمل تر کردن تفاسیر و خاطرات منفی، اثر خلق افسرده را بر روی تفکر افزایش می‌دهد.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بوده است: 1) استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) علیت را به اثبات نمی‌رساند. به ویژه، از آن جهت که پژوهش حاضر مطالعه ای مقطعی است. 2) نمونه این پژوهش متشکل از دانشجویان دانشگاه و در دوره زمانی محدودی در یک ترم تحصیلی بود. تجارب و رویدادهای زندگی برای نمونه‌های دانشجویی می‌تواند متفاوت از همسالان غیر دانشجویی آنها و یا نمونه‌های افسرده بالینی باشد. در نتیجه، در تعمیم نتایج به دیگر گروه‌های سنی و افراد مربوط به دیگر زمینه‌های اجتماعی و یا نمونه‌های افسرده بالینی، باید با احتیاط عمل کرد. 3) در این پژوهش جهت جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است و داده‌های حاصل از پرسشنامه ممکن است همراه با سوگیری باشند.

در پژوهش حاضر چندین پیشنهاد پژوهشی و کاربردی مطرح است: 1) انجام یک پژوهش طولی، به شکل واقعی‌تری می‌تواند روابط علی بین متغیرهای اجتماع مداری / استقلال مداری مداری، ادراک از رویدادهای فشارزا و علائم افسردگی را تایید کند. 2) با توجه به نتایج این پژوهش مبنی بر اثرات عوامل فرهنگی و زمینه اجتماعی- فرهنگی، پژوهشی بین فرهنگی لازم

1. Rumination

است تا تفاوت سطوح سبک‌های شخصیتی اجتماع مداری / استقلال مداری و همچنین روابط آنها با رویدادهای فشارزا، را در افراد این زمینه فرهنگی و فرهنگ غربی مقایسه کرده و به بررسی مدل آسیب پذیری- استرس بک (1383، 1387) با توجه به زمینه‌های فرهنگی و به صورت مقایسه ای پردازد. (3) نتیجه این پژوهش نشان داد که ادراک از رویدادهای فشارزا، بر علائم افسردگی اثر مثبت مستقیم دارد. با توجه به این یافته، ارزش شناخت درمانی در این مورد حیاتی است. متخصصان امر درمان می توانند از طریق شناخت درمانی، تفسیر افراد از رویدادها به عنوان ضایعه، را به فرصتی برای تغییر تبدیل کنند، سازگاری با رویدادهای فشارزا را تسهیل کرده و بدین طریق به کاهش پیامدهای منفی آنها در افراد، کمک کنند. (5) نتایج پژوهش حاکی از اثرات مستقیم اجتماع مداری / استقلال مداری بر علائم افسردگی بود. با توجه به این یافته، در زمینه روان درمانی، متخصصان می بایست اهتمام ویژه ای جهت کمک به افراد برای کاهش نگرانی‌ها و شناخت‌های منفی مربوط به اجتماع مداری یا استقلال مداری داشته باشند. طرحواره های اجتماع مداری و استقلال مداری می بایست در درمان مورد توجه خاص قرار بگیرند. (7) با توجه به نتیجه این پژوهش در مورد اثرات مستقیم اجتماع مداری / استقلال مداری بر ادراک از رویدادهای فشارزا، خواه رویدادهای بین فردی خواه رویدادهای پیشرفت، افزایش آگاهی افراد اجتماع مدار / استقلال مدار در مورد آسیب پذیری بیشتر آنها به این رویدادهای فشارزا، مفید خواهد بود. این امر می تواند به آمادگی آنها برای روبه رو شدن با این رویدادها کمک کند.

منابع فارسی

بخشانی، نورمحمد. (1381). بررسی ابعاد شخصیتی، رویدادهای استرس زا و حمایت اجتماعی در افراد افسرده: آزمون مدل شناختی. رساله دکتری روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.

قلی زاده، حسین؛ بخشی پور، عباس؛ علیلو، مجید محمود؛ و ایمانی، مهدی. (1388). تناسب تجربی نظریه همخوانی استرس و سبک های شخصیتی دیگرپیروی و خود گردانی در بیماران افسرده. *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز*, 31 (1), 1-23.

مروتی، ذکر الله. (1390). رابطه علی محیط یادگیری سازنده گرای ادراک شده و عملکرد ریاضی با میانجیگری جهت گیری درونی هدف، ارزش تکلیف، نگرش به ریاضی و خودکارآمدی ریاضی در دانش آموزان پسر سال سوم دبیرستان های شهر اهواز. پایان نامه دکتری تخصصی روانشناسی تربیتی. دانشگاه شهید چمران اهواز.

نوری قاسم آبادی، ربابه. (1384). بررسی نقش اجتماعی مداری و استقلال مداری به عنوان عوامل زمینه ساز افسردگی اساسی. پایان نامه دکترای تخصصی روانشناسی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

منابع انگلیسی

- Abela, J. R. Z., McIntyre-Smith, A., & Dechef, M. L. E. (2003). Personality predispositions to depression: A test of the specific vulnerability and symptom specificity hypotheses. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 22, 493-514.
- Abela, J. R. Z., Sakellaropoulo, M., & Taxel, E. (2007). Integrating two subtypes of depression: Psychodynamic theory and its relation to hopelessness depression in schoolchildren. *Journal of Early Adolescence*, 27, 363-385.
- Abramson, L. Y., Alloy, L. B., & Hogan, M. E. (1997). Cognitive/Personality subtypes of depression: Theories in search of disorders. *Cognitive Therapy and Research*, 21(3), 247-265.
- Abramson, L. Y., Metalsky, G. I., & Alloy, L. B. (1989). Hopelessness depression: A theorybased subtype of depression. *Psychological Review*, 96, 358-372.
- Allen, N.B., Ames, D., Layton, T., Bennetts, K., Kingston, K., (1997). The relationship between sociotropy/autonomy and patterns of symptomology in the depressed elderly. *Journal of Clinical Psychology*, 36, 121- 132.
- Backenstrass, M., Joest, K., Rosemann, T., (2007). The care of patients with subthreshold depression in primary care: Is it all that bad? A qualitative study on the views of general practitioners and patients. *BMC Health Services Research*, 7 (190), 123-140.
- Bagby, R. M., Gilchrist, E. L., Rector, N. A., Dickens, S. E., Joffe, R. T., Levitt, A., et al. (2001). The stability and validity of the sociotropy and autonomy personality



- dimensions as measured by the revised personal style inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 25, 765-779.
- Beck, A. T. (1983). Cognitive therapy of depression: new perspectives. In J. E. Barrett (Eds.), *Treatment of depression: Old controversies and new approaches*. New York, US: Raven Press.
- Beck, A. T. (1987). Cognitive models of depression. *Journal of Cognitive Psychotherapy*, 1, 2-27.
- Beck, A. T, Steer, R. A., and Brown G. K. (1996). "Manual for the Beck Depression Inventory-II". San Antonio, TX: Psychological Corporation.
- Besser, A. & Priel, B. (2011). Dependency, Self-Criticism and Negative Affective Responses Following Imaginary Rejection and Failure Threats: Meaning-Making Processes as Moderators or Mediators. *Psychiatry*, 74 (1). 31-40.
- Birgenheir. D. G, Pepper. C. M Johns. M (2010) Excessive reassurance seeking as a mediator of sociotropy and negative interpersonal life events. *Cognitive Therapy and Research*, 34, 188-195.
- Brown, E. J., Juster, H. R., Heimberg, R. G., &Winning, C. D. (1998). Stressful life events and personality styles: Relation to impairment and treatment outcome in patients with social phobia. *Journal of Anxiety Disorders*, 12(8), 233-251.
- Calvete .E (2010). Integrating sociotropy, negative inferences and social stressors as explanations for the development of depression in adolescence: Interactive and mediational mechanisms. *Cognitive Therapy and Research*, DOI 10.1007/s10608-010-9320-4
- Cardilla, K. (2008). Personality vulnerability, coping and depression: a multi-method daily diary study of college students. Coping with daily hassles. A Doctoral Dissertation. University of California. Santa Cruz.
- Clark, A. C., & Oates, T. (1995). Daily hassles, major and minor life events, and their interaction with sociotropy and autonomy. *Behaviour Research and Therapy*, 7, 819-823.
- Dasch. K. B (2006). Daily stress and coping correlates of sociotropy and autonomy: Evaluation of the construct validity of the personal style inventory. A Doctoral Dissertation. University of Delaware.
- Eugenie. S. L. Y. (2004). Cognitive-personality vulnerability and event perception in the prediction of depression in Chinese women of Hong Kong. A Doctoral Dissertation. The Chinese university of Hong Kong.
- Frewen, P. F., Dozois, D. J. A (2006). Social, achievement, and control dimensions of personality-life event vulnerability to depression. *Cognitive Therapy and Research*, 30(1), 1-17.
- Fresco, D. M., Sampson, W. S., Craighead, L. W., & Koons, A. N. (2001). The relationship of sociotropy and autonomy to symptoms of depression and anxiety. *Journal of Cognitive Psychotherapy: An International Quarterly*, 15, 17-31.
- Garlipp, J. E. (2004). Implicit Cognitive Processes in Depression. A Doctoral Dissertation. Drexel University.

- Garnefski, N., Kraaij, V. & Spinhoven, Ph. (2002). Manual for the use of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire. Leiderdorp, The Netherlands: DATEC.
- Ghasemzadeh H, Mojtabai R, Karamghadiri N, ebrahimkhani N. (2005). Psychometric properties of a Persian language version of the beck depression inventory-second edition: BDI-II – Persian. *Journal Depression and Anxiety*, 21(4), 185-192.
- Hawkins, M. T., and Miller, R. J (2003). Cognitive Vulnerability and Resilience to Depressed Mood. *Australian Journal of Psychology*, 55(3), 176-183.
- Hong, s., & Lee, M. (2001) Hierarchical confirmatory factor analysis of the Revised Personal Style Inventory: evidence for the multidimensionality problem of perfectionism. *Educational and Psychological Measurement*, 61, 421-432.
- Iacoviello. B. M, Grant .D .A, Alloy. L. B, Abramson. L .Y (2009). Cognitive personality characteristics Impact the course of depression: A prospective test of sociotropy, autonomy and domain-specific life events. *Cognitive Therapy and Research*, 33, 187-198.
- Kwon, P., Cambell, D. G., & Williams, M. G. (2001). Sociotropy and autonomy: Preliminary evidence for construct validity using TAT narratives. *Journal of Personality Assessment*, 77(1), 128-138.
- Kwon, P., & Whisman, M. A. (1998). Sociotropy and autonomy as vulnerability to specific life events: Issues in life event categorization. *Cognitive Therapy and Research*, 22(4), 353-362.
- Little, S. A., & Garber, J. (2000). Interpersonal and achievement orientations and specific stressors predicting depressive and aggressive symptoms in children. *Cognitive Therapy and Research*, 24, 651-670.
- Little, S. A., & Garber, J. (2004). Interpersonal and achievement orientations and specific stressors predict depressive and aggressive symptoms. *Journal of Adolescent Research*, 19, 63-84.
- Masih. S, Spence, Oei. T. P. S (2007). Sociotropic and outonomic personality and stressfull life event as predictors of depressive symptoms in the postpartum period. *Cogn Ther Res*, 31, 483-502.
- Mazure, C. M., Raghavan, C., Maciejewski, P. K., Jacobs, S. C., & Bruce, M. L. (2001). Cognitive personality characteristics as direct predictors of unipolar major depression. *Cognitive Therapy and Research*, 25(2), 215-225.
- Mazure, C.M., Maciejewski, P.K., Jacobs, S.C., Bruce, M.L., 2002. Stressful life events interacting with cognitive/personality styles to predict late-onset major depression. *Am. J. Geriatr. Psychiatry*, 10, 297- 304.
- Morse, J. Q., & Robins, C. J. (2005). Personality-life event congruence effects in latelife depression. *Journal of Affective Disorders*, 84, 25-31.
- Nolen-Hoeksema, S., & Morrow, J. (1991). A prospective study of depression and posttraumatic stress symptoms after a natural disaster: the 1989 Loma Prieta earthquake. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 115-121.
- Oates-Johnson, T., & Clark, D. A. (2004). Sociotropy, body dissatisfaction and perceived social disapproval in dieting women: A prospective diathesis-stress study of dysphoria. *Cognitive Therapy and Research*, 28(6), 715-731.

- Pilkington, K. (2010). Anxiety, depression and acupuncture: A review of the clinical research. *Autonomic Neuroscience: Basic and clinical*, 157, 91–95.
- Preacher, K. J., & Hayes, A. F. (2008). Contemporary approaches to assessing mediation in communication research. In A. F. Hayes, M. D. Slater, & L. B. Snyder (Eds.), *The Sage sourcebook of advanced data analysis methods for communication research*. Thousand Oaks, CA, Sage.
- Raniere, E. L. F., Alloy, L. B., & Abramson, L. Y. (2006). Depressive personality styles and bipolar spectrum disorders: prospective tests of the event congruency hypothesis. *Bipolar Disorders*, 8, 382–399.
- Robins, C., Hayes, A., Block, P., Kramer, R., & Villena, M. (1995). Interpersonal and achievement concerns and depressive vulnerability and symptom specificity hypotheses: A prospective study. *Cognitive Therapy and Research*, 19, 1–20.
- Robins, C. J., Ladd, J., Welkowitz, J., Blaney, P. H., Diaz, R., & Kutcher, G. (1994). The personal style inventory: Preliminary validation studies of new measures of sociotropy and autonomy. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 16, 277–300.
- Sarason, I. G., Johnson, J. H., & Siegel, J. M. (1978). Assessing the impact of life changes: Development Of the Life Experience s Survey. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 46, 932-946.
- Sato, T. (2003). Sociotropy and autonomy: The nature of vulnerability. *The Journal of Psychology*, 137 (5), 447- 466.
- Segal, Z. V., & Ingram, R. E. (1994). Mood priming and construct activation in tests of cognitive vulnerability to unipolar depression. *Clinical Psychology Review*, 14, 663–695.
- Shahar, G. (2006). An investigation of the perfectionism/self-criticism dimension of the Personal Styles Inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 30, 185–200.
- Shahar, G., Joiner, T. E., Zuroff, D. C., & Blatt, S. J., (2004). Personality, interpersonal behavior, and depression: Co-existence of stress-specific moderating and mediating effects. *Personality and Individual Differences*, 36, 1583–1596.
- Shahar, G., Soffer, N., Gilboa-Shechtman, E. (2008). Sociotropy, Autonomy, and self-criticism are three distinguishable dimensions of cognitive-personality vulnerability. *Journal of Cognitive Psychotherapy: An International Quarterly*, 22 (3), 219- 227.
- Sohlberg, S, Axelsson, J. Czartoryski, W., Stahlberg G., & Strombom, Y., (2006). Sociotropy, Autonomy, and Depressive Response to an Unconscious Challenge. *Cognitive Therapy and Research*, 30(1), 123-131.
- Voyer, M. & Cappeliez, p. (2002). Congruency between depressogenic schimas and life event for the prediction of depressive relapse in remitted older patients. *Behavioural and Cognitive Psychotherapy*, 30(2), 165-178.
- Watson, S. J. (2005). The congruency hypothesis. A closer look at its components: interpersonal and achievement-oriented personality and life events. A Doctoral Dissertation. Massey University.